
تأثیر حق طلاق زوجه در فروپاشی خانواده

سیما اسمعیل پور^۱ و طیب افشار نیا^۲

چکیده

این مقاله برگرفته از پایان نامه بوده و به مطالعه عوامل مؤثر بر طلاق می پردازد. یافته های این پژوهش نشان می دهد که قابلیت اسقاط حق طلاق زوجه از طرف وی و با رضایت کامل، می تواند به کاهش آمار طلاق در جامعه کمک شایانی می کند. چرا که اغلب طلاق ها به دلایل پیش پا افتاده صورت می گیرد که نشان از مسائلی چون فقر آموزش های قبل از ازدواج به زوجین، پایین بودن سطح فرهنگی جامعه و بالا رفتن سطح توقعات زوجه بنابر چشم و هم چشمی های درون جامعه می باشد. روش پژوهش توصیفی و تحلیلی و از نوع پس رویدادی می باشد.

واژه های کلیدی: طلاق، خانواده، زوجه

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد ایلام واحد علوم تحقیقات simaesmailpur@yahoo.com
۲. دکترای حقوق خصوصی عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام afsharnia59@gmail.com

مقدمه

افزایش نرخ طلاق، طی دهه های اخیر در ایران نگرانی های مختلفی را برای مسئولان و محققان در پی داشته است و در این مقاله به مرور دستاوردهای پژوهش های اخیر به علل طلاق در ایران پرداخته شده است. ضرورت هایی باعث شده است که خداوند به طلاق مشروعیت بخشد، اما سیاست های دینی به دعوت مردم برای حفظ خانواده و پرهیز از طلاق بنیان شده است. مهمترین خطری که خانواده ها را تهدید می کند، طلاق است. انحلال رابطه همسری واز بین رفتن کانون خانوادگی از پیامدهای طلاق است. در جامعه امروز ما علی رغم بالاتر بودن سطح سواد افراد میزان طلاق به طور شگفت آوری در حال افزایش است. در سال های اخیر میزان طلاق از طرف زوج به شدت افزایش یافته است و باعث نگرانی های زیادی در سطح جامعه شده است. برای عمق بخشی به درک موضوع، باید در جهت دهی و حمایت از تحقیقات مربوط به طلاق گام های جدی تری برداشت.

خانواده مهمترین و اصلی ترین واحد اجتماعی است که همواره در طول تاریخ وظایف مهمی را در قبال جامعه به انجام رسانده است اگر مطالعه ای در تاریخ ادیان صورت گیرد مشخص خواهد شد که تمام ادیان دستورات اکیدی برای حفظ انسجام و ثبات خانواده برای پیروان خود صادر کرده اند. بر این اساس است که ازدواج و پیوند زناشویی در تمام جوامع مقدس بوده و موانع فراوانی برای گسست این پیوند از طرف جامعه برای افراد وضع شده است در اسلام نیز قواعد و شرایط سختی برای جدایی افراد از یکدیگر وضع شده است (مشکینی ۱۳۶۶، ۵۶). در جامعه ایرانی همواره نسبت به پدیده طلاق به دید منفی نگاه شده است. امروزه هر چند طلاق نسبت به گذشته در جامعه عمومیت بیشتری پیدا کرده است اما دیدی که کلیت جامعه ما نسبت به طلاق دارد تغییر چشمگیری نداشته است و بر خلاف جوامع غربی که تقریباً با طلاق کنار آمده اند در جامعه ایرانی طلاق با دیدی انحرافی و ضدارزش نگاه شده و مطلقین را بعنوان محکومی که مقوله ای ارزشی به نام خانواده را زیر پا گذاشته در نظر می گیرند و این تصویری است که اکثریت جامعه نسبت به طلاق دارند.

طلاق از جمله پدیده های اجتماعی است که وقوع آن نه تنها تاثیرات نامطلوبی به مطلقین وارد کرده بلکه تاثیرات حتی ناگوارتری برای فرزندان، اطرافیان و حتی جامعه به همراه دارد. تاثیرات نامطلوب روانی، اقتصادی، اجتماعی طلاق بر زن و مرد طلاق گرفته با مراجعه به حتی یکی از آنها به آسانی آشکار می شود. این تاثیرات که بیشتر متوجه زنان در جامعه ماست

زندگی را بر آنها دشوار می کند مشکلات درآمدی، اقتصادی و بی سرپناهی عمدتاً متوجه زنانی است که بیشترشان خانه دار بوده و درآمدی نیز ندارند این مسائل و مساله نگهداری از فرزندان که بعد از طلاق والدین بیشتر با مادر زندگی می کند مسائل دیگر روانی و اجتماعی (چون دلتنگی، یاس و ناامیدی، بی اعتمادی، بی مسئولیتی و انحرافات اخلاقی) را برای زنان طلاق گرفته بوجود می آورد که تحملش را برای آنها دشوار می کند. این تاثیرات نامطلوب کم و بیش برای مردان نیز وجود دارد هر چند که مردان در جامعه ما از موقعیت بهتری نسبت به زنان بعد از طلاق برخوردارند. مثلاً در جامعه ما مردان راحت تر از زنان بعد از طلاق به ازدواج مجدد دست می زنند و مشکلات اقتصادی کمتر نسبت به زنان دارند به هر حال مردان نیز کاملاً از مشکلات روانی اجتماعی و حتی اقتصادی بعد از طلاق رهایی نمی یابند. بچه های طلاق آینده ای نامشخص و حتی ناگواری را پیش رو خواهند داشت چرا که طلاق معمولاً در سال های اول ازدواج صورت گرفته و در این سال ها بچه از سن کمی برخوردار بوده و از این رو نیازمند مراقبت های بیشتری می باشند. بچه های طلاق از مشکلات متعددی (چون سرخوردگی، گوشه گیری، پرخاشگری، ناامیدی و یاس در زندگی و بزهکاری، ترک تحصیل، فرار از خانه) رنج می برند.

بیان مساله

ازدواج و نهاد خانواده در تمام اعصار و جوامع امری مقدس بوده است. به طوری که همواره پیوند و انسجام خانواده در جامعه مورد حمایت قرار می گرفت. در تمام ادیان ازدواج بعنوان امری میمون مورد تاکید قرار گرفت. از این رو ازدواج همواره راحت گرفته شده در حالی که طلاق و جدائی زوجین از یکدیگر بسیار سخت و گاهی غیر ممکن بوده است. به طوری که هنوز طلاق در برخی از جوامع تا سالهای اخیر غیر قانونی محسوب می شد. در عین حال مطالعه خانواده در جوامع امروزی نشان می دهد که خانواده های امروزی با چالش های فراوانی در درون روبرو هستند: کودک آزاری، همسر آزاری، خشونت خانوادگی و طلاق نمونه های متداولی از آسیب های خانواده های امروزی است. همین مسائل است که آسیب شناسی خانواده را در عصر حاضر ضروری می سازد. طلاق که «انحلال قانونی، شرعی و عرفی ازدواج تحت شرایط و مقررات خاص» است، یکی از متداول ترین مسائل خانواده در جوامع امروزی است به نحوی که در بسیاری از جوامع آمار طلاق رقم بالایی را نشان می دهد.

در عین حال طلاق مساله ای است که اتفاق می افتد و اگر درصدد شناسائی علت این مساله برآئیم این نتیجه حاصل می شود که طلاق به لحاظ علل ایجاد از عوامل متعددی تاثیر می پذیرد. بدین معنی که مجموعه ای از عوامل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی - حقوقی بر ایجاد یا ممانعت از طلاق سهیم می باشند. این عوامل از شدت و ضعف متفاوت در هر جامعه برخوردارند. علاوه بر علل ایجاد طلاق پیامدهایی نیز از طلاق ناشی می شوند. در واقع خانواده ای که بوسیله طلاق از هم گسسته می شود این گسستگی عواقب نامناسبی برای زوجین و بخصوص زن، فرزندان، اطرافیان و در نهایت جامعه به همراه دارد. بطوری که بسیاری از مسائل فرهنگی، اجتماعی، روانی و اقتصادی از دل خانواده های طلاق بیرون می آید.

جامعه شناسان معمولاً مساله اجتماعی را وضعیت اظهار شده ای می دانند که با ارزش های شمار مهمی از مردم مغایرت دارد و معتقدند باید برای تغییر آن وضعیت اقدام کرد. بنابراین معیارهای مساله اجتماعی عبارت است از: ۱- وضعیت اظهار شده ۲- مغایرت با ارزش ها ۳- شمار مهمی از مردم ۴- نیاز به اقدام (رابینگتن، ۱۳۸۳: ۱۲).

ویلیام سون و همکارانش مشکل اجتماعی را اینگونه تعریف کرده اند: مشکل اجتماعی موقعیتی است که بیشتر مردم آن را غیرمطلوب تلقی می کنند و بر زندگی بسیاری در فرآیند کنش اجتماعی بطور مستقیم و غیر مستقیم اثر می گذارد و بیشتر مردم آن را احساس می کنند و درخواست حل آن را دارند. (سون به نقل از آزاد، ۱۳۷۷: ۱۹).

از آنجایی که یکی از مولفه‌هایی که در بی‌ثباتی خانواده تاثیر می‌گذارد، طلاق است مطالعه آن اهمیت زیادی دارد چرا که هم افراد حاصل از طلاق (اعم از زن و مرد و فرزندان) از این پدیده تاثیر می‌گیرند و هم جامعه تحت تاثیر آن قرار می‌گیرد. گر چه میزان و نوع تاثیراتی که می‌گیرند در افراد مختلف متفاوت است اما همه افراد مرتبط تحت تاثیر آن خواهند بود

مبانی نظری

موجبات طلاق چیزهایی هستند که مجوز طلاق به شمار می‌آیند و این موجبات شامل: الف: اراده مرد ب: توافق زوجین ج: درخواست زن، می‌باشد. فقهای اسلامی در پاره‌ای موارد به زن اجازه داده‌اند که درخواست طلاق کند، کامل ترین ومفصل ترین بحثی که در این زمینه در کتاب‌های فقهی آمده است تقریرات آیت‌الله شیخ حسین علی‌حلی مقیم نجف اشرف تحت عنوان (حقوق الزوجه وآثارها الوضعیه) است. (مطهری، ۱۳۷۸: ۳۲۱)

در واقع آیات قران هم تصریح می کند که مردان باید با همسران خود به نیکی رفتار کنند و حقوق آن‌ها را پرداخت کنند آیه ۱۹ سوره نسا می فرماید: (و عاشرو هن بالمعروف) و در آیه ۲۲۹ سوره بقره هم تکلیف مردان را با آیه (الطلاق مرتان فامساک بمعروف او تسریح با احسان....) معلوم می کند. (نجفی، ۱۳۶۶: ۳۰۳).

در دانشنامه بین المللی (۲۰۰۰) طلاق، انحلال قانونی پیوند ازدواج تعریف شده است. طبق این تعریف، از میان کلیه مشکلات اجتماعی هیچ یک به اندازه طلاق آثار بلند مدت ندارد. همچنین در میان همه مشکلات اجتماعی که پژوهشگران اجتماعی با آن مواجه می شوند، دشوارترین موضوع در زمینه حل علل و پیامدها، طلاق است. براساس تعریف دان شناخته، طلاق، معمولاً پس از یک دوره اختلال یا بی سازمانی در روابط زناشویی واقع می شود. انحلال زناشویی مفهوم وسیعی است که طلاق تنها یکی از اسباب آن است. مرگ یکی از دو همسر، متارکه و فسخ ازدواج، شکل های دیگر انحلال زناشویی اند. در دانشنامه جامعه شناسی (۲۰۰۰) بیان شده است که طلاق به دلایل متعددی از نظر جامعه شناسی اهمیت دارد. نرخ طلاق عمدتاً به عنوان شاخصی برای سلامت و پایداری نهاد خانواده در یک جامعه محسوب می شود. از منظر دیگر، طلاق یکی از مهم ترین مراحل گذار در زندگی شخصی هر فرد محسوب می شود. از این جهت، طلاق به اندازه گذارهای دیگر زندگی اعضای خانواده (ازدواج مجدد، تولد فرزند و بازنشستگی) دارای اهمیت است. جامعه شناسی در مطالعه طلاق بر روی روندهای اجتماعی تمرکز فراوان دارد که این فرآیندها به طور برجسته در تحلیل های مرتبط با صنعتی شدن، نرخ فقر، دسترسی به آموزش، راهبردهای حل تضاد و قانون مشاهده می شود.

پیامد طلاق در شهرها وخیم تر از پیامد طلاق در روستاهاست. این مساله را می توان از زوایای مختلف مورد بررسی قرار داد. یکی از مسائلی که در این رابطه باید بدان توجه کرد پیامد اقتصادی طلاق برای خانواده در شهرهاست. در روستاها اقتصاد خانواده مبتنی بر کشاورزی و دامداری است با وقوع طلاق زنان به همراه فرزندان خود با کار بر روی قطعه زمین و تهیه سرپناهی قدرت تامین معیشت حداقلی را دارند در حالی که در شهرها عمده مشاغل خدماتی بوده و در بسیاری موارد نیاز به تخصص نیز دارد. در شهرها زنان مطلقه که عمدتاً خانه دار می باشند به راحتی نمی توانند به لحاظ اقتصادی خود را تامین کنند. این در حالی است که در شهرها بر خلاف روستاها هزینه زندگی بالاست. تهیه مسکن و سرپناه خود معضل دیگری است که در ابتدا گریبانگیر این نوع خانواده های تک والدین می شود در شهرهای بزرگ به دلیل

سستی روابط اجتماعی و خویشاوندی به راحتی نمی توان روی کمک مالی اطرافیان حساب باز کرد در حالی که زنان مطلقه در روستاها به دلیل پیوستگی اجتماعی بالا در روستاها بیشتر مورد حمایت قرار می گیرند از این رو طلاق در شهرها زمینه ای است برای فلاکت و فقر خانواده از هم گسسته که این خود مسائل و مشکلات متعدد دیگر را به همراه خواهد داشت.

مساله دیگری که طلاق را در شهرها آسیب زا و چالش برانگیز می کند پیامد اجتماعی طلاق در شهرهاست. روابط اجتماعی در روستاها از پیوستگی بالائی برخوردار است از این رو سیستم حمایتی و نظارتی خویشاوندی در روستاها از قوت بالاتری نسبت به شهرها برخوردار است که این خود تاثیری را بر حمایت و نظارت بر مطلقین و فرزندان طلاق می گذارد. (رمضان زاده و همکاران، ۱۳۸۸: ۳۶).

یکی از مهمترین موضوعات در هر جامعه ای به حوزه «خانواده» بر می گردد و به دلیل همین اهمیت است که از آن به عنوان یکی از «نهادهای اجتماعی» یاد می شود. نهادی که کارکردهای آن می تواند بر کارکردهای سایر نهادهای اجتماعی از قبیل دولت، آموزش، اقتصاد و دین تاثیر بگذارد و همین طور از آنها تاثیر بپذیرد. هرگاه صحبت از خانواده می شود چند مولفه اساسی از قبیل ازدواج، طلاق، فرزند و ... به ذهن متبادر می شود که هر یک در جایگاه خود دارای اهمیت هستند. خانواده از ابتدای تاریخ تاکنون به عنوان اصلی ترین نهاد اجتماعی، زیربنای جوامع و خاستگاه فرهنگها، تمدن ها و تاریخ بشر بوده است؛ پرداختن به این بنای مقدس و بنیادین و هدایت آن به جایگاه واقعی اش، همواره سبب اصلاح خانواده بزرگ انسانی و غفلت از آن، موجب دور شدن بشر از حیات حقیقی و سقوط به ورطه نابودی بوده است. اسلام به عنوان مکتبی انسان ساز، بیشترین توجه را به والایی خانواده دارد؛ از این رو، این نهاد مقدس را کانون تربیت می شمرد؛ نیک بختی و بدبختی جامعه انسانی را نیز به صلاح و فساد این بنا وابسته می داند و هدف از تشکیل خانواده را تأمین نیازهای عاطفی و معنوی انسان از جمله دستیابی به آرامش برمی شمرد. تاملی بر مباحث دینی در سایر ادیان مختلف هم نشان می دهد که بر تشکیل این نهاد و تحکیم آن تاکید زیادی شده است؛ در سیاستگذاری های کشورهای مختلف هم موضوع حقوق خانواده و شرایط مرتبط با ازدواج و طلاق و حقوق کودکان و زوجین و .. مورد توجه قرار گرفته است. یکی از پدیده هایی که توجه به موضوع خانواده را در جوامع مختلف بیشتر مورد توجه قرار داده است موضوع «طلاق» است که به دلیل پیامد های اجتماعی، روانی، اقتصادی، حقوقی و ... که دارد، اهمیت آن را بیشتر کرده است. خانواده به عنوان کوچکترین نهاد

اجتماعی است که اهمیت حفظ و تحکیم آن در جهت توسعه هر کشوری و تربیت نسل خلاق و سالم بر کسی پوشیده نیست؛ چنانچه این نهاد بنا به دلایلی دچار اختلافاتی شود و نتواند کارکردهای خود را به درستی انجام دهد یکی از پیامدهایش وقوع « طلاق » خواهد بود. به عبارت دیگر خانواده یکی از نهادهای اجتماعی نخستین است که در اشکال مختلف در هر جامعه‌ای یافت می‌شود بنابراین، خانواده به عنوان نهادی اجتماعی، هسته نخستین پیوند اجتماعی انسان را بنیان می‌نهد و با تأمین مجموعه‌ای از نیازهای انسانی، عهده‌دار نقش‌ها و کارکردهای ویژه‌ای است. برخی معتقدند که مطالعه این پدیده به لحاظ تاثیرات گسترده در دگرگونی سبک زندگی جامعه، سست شدن ساختار خانواده و همچنین روند افزایش آن در جامعه اهمیت به سزایی دارد، چرا که کارکرد درست خانواده در سایر بخش‌های جامعه هم تاثیر دارد به همین دلیل در نوشته‌های بزرگان دینی، فلاسفه و دانشمندان و صاحب نظران در این خصوص دیدگاه‌ها و نکات مشترکی وجود دارد که می‌تواند این گونه به آن اشاره کرد: «خانواده کوچکترین واحد اجتماعی است که ثبات جامعه وابسته به ثبات آن است. بنابراین هر اندازه روابط درون خانواده مناسب‌تر باشد، خانواده از ثبات و استحکام بیشتری برخوردار خواهد بود. شاید به دلیل همین اهمیت است که در اصل دهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر تحکیم بنیان خانواده تاکید شده است و چنین آمده است: «از آن جا که خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است، همه قوانین و مقررات و برنامه ریزی‌های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد». (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران).

اهمیت موضوع

از آنجایی که یکی از مولفه‌هایی که در بی‌ثباتی خانواده تاثیر می‌گذارد، طلاق است مطالعه آن اهمیت زیادی دارد چرا که هم افراد حاصل از طلاق (اعم از زن و مرد و فرزندان) از این پدیده تاثیر می‌گیرند و هم جامعه تحت تاثیر آن قرار می‌گیرد. گر چه میزان و نوع تاثیراتی که می‌گیرند در افراد مختلف متفاوت است اما همه افراد مرتبط تحت تاثیر آن خواهند بود.

تاملی بر روند آمار های طلاق در کشور نشان می‌دهد که این موضوع در کشور نگرانی‌های زیادی را ایجاد کرده است بگونه ایی که در سال ۱۳۹۶ به عنوان یکی از پنج موضوع دارای اولویت در کشور در کنار اعتیاد به مواد مخدر و روانگردان‌ها، بیکاری، مفاسد اخلاقی و حاشیه

نشینی (سکونت گاه‌های غیر رسمی) تعیین شده است و حتی در جلسات مسئولان عالی کشور هم مورد تایید قرار گرفته است و هم در قانون حمایت از خانواده که در سال ۱۳۹۱ تصویب شده است و هم در سیاست‌های کلی خانواده که سال ۱۳۹۵ ابلاغ شده است در این زمینه تاکیدات مهمی شده است.

دیدگاه اجتماعی نشان می‌دهد باید نسبت به پدیده خانواده در کشور حساس تر بود. از آنجایی که معمولاً مسوولیت اقتصادی خانواده‌ها بر عهده مردان است واگذاری این مسوولیت بر عهده زنانی که طلاق گرفتند می‌تواند (احتمالاً) مشکلاتی را برای آنان ایجاد کند. چرا که طلاق موجب می‌شود تا سرپرستی خانواده یا حداقل خود فرد بر عهده او باشد که این شرایط موجب می‌شود وظایف متعددی را بر عهده بگیرد. به عبارت دیگر این گروه از زنان دارای مشکلات متعدد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ... هستند که پاسخگویی با این مشکلات می‌تواند آنان را با دشواری‌های مواجه کند. گرچه این تحولات در جامعه فقط در حوزه خانواده نیست و بخش‌های مختلفی را در بر گرفته است. جامعه ایرانی در چند دهه گذشته با تحولات ساختاری شگرفی مواجه بوده است. تحولات ساخت‌های مختلفی اجتماعی (اعم از نهاد خانواده تا نهاد های رسمی و غیر رسمی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی) و روابط و مناسبات اجتماعی و تولیدی جوامع شهری، روستایی و عشایر کشور را دگرگون ساخته است. تحولات جهانی نیز این دگرگونی‌ها را از جوانب مختلف بویژه از نظر نوع و تنوع و شدت تحت تاثیر قرار داده است که از جمله این تاثیرات افزایش آمار طلاق در جامعه است لذا این سؤال اساسی مطرح می‌شود که وضعیت و روند طلاق و ازدواج در کشور ایران چگونه است؟ طبق آمارهای ارائه شده در طی سال‌های مورد بررسی می‌توان گفت که روند کاهشی ازدواج و افزایشی طلاق در اکثر سال‌ها نکته قابل توجه است.

توصیف و تحلیل موضوع

تحقیقات نشان می‌دهد که طلاق عوارض روانی متعددی برای زوجین به همراه خواهد داشت مثلاً در یکی از این تحقیقات ۷۰ درصد از زوجین اظهار داشته اند که به علت اختلافات خانوادگی و طلاق خسته و کوفته شده اند. ۶۹ درصد نیز اظهار داشته اند که در اثر طلاق بیمار و رنجور شده اند ۷۵ درصد از زوجین اعتقاد به شکست در زندگی در نتیجه طلاق داشته، ۶۸ درصد اظهار نموده اند که پس از انجام طلاق تعرض و ستیزه جوئی کرده اند. ۱۵ درصد فرار و

ترک خانواده و ۱۴ درصد دست به خودکشی زده اند (فرجاد ۱۳۷۲، ۲۷۸). در عین حال به این موارد می توان موارد دیگری چون بی توجهی نسبت به فرزندان، ناامیدی، اضطراب، دل‌تنگی، بی حوصلگی و احساس شکست را اضافه کرد.

جدول ۱: ازدواج و طلاق و درصد تغییرات از سال ۱۳۸۷ لغایت ۱۳۹۷

سال	ازدواج		طلاق	
	تعداد	درصد تغییرات	تعداد	درصد تغییرات
۱۳۸۷	۸۸۱۵۹۲	۴,۸۱	۱۱۰۵۱۰	۱۰,۶۷
۱۳۸۸	۸۹۰۲۰۸	۰,۹۸	۱۲۵۷۴۷	۱۳,۷۹
۱۳۸۹	۸۹۱۶۲۷	۰,۱۶	۱۳۷۲۰۰	۹,۱۱
۱۳۹۰	۸۷۴۷۹۲	- ۱,۸۹	۱۴۲۸۴۱	۴,۱۱
۱۳۹۱	۸۲۹۹۶۸	- ۵,۱۲	۱۵۰۳۲۴	۵,۲۴
۱۳۹۲	۷۷۴۵۱۳	- ۶,۶۸	۱۵۵۳۶۹	۳,۳۶
۱۳۹۳	۷۲۴۳۲۴	- ۶,۴۸	۱۶۳۵۹	۵,۲۸
۱۳۹۴	۶۸۵۳۵۲	- ۵,۳۸	۱۶۳۷۶۵	۰,۱۲
۱۳۹۵	۷۰۴۷۱۶	۲,۸۳	۱۸۱۰۴۹	+۱۰,۵۵
۱۳۹۶	۶۰۸۹۷۷	- ۱۳,۵۹	۱۷۴۵۹۰	- ۳,۵۷
۱۳۹۷	۵۴۹۸۶۱	- ۹,۷	۱۷۴۶۹۸	+۰,۶

آمارهای ارایه شده نشان می دهد که درصد تغییرات ازدواج در سال ۱۳۹۷ نسبت به سال ۱۳۸۷ حدود ۳۷/۶ درصد تغییرات منفی داشته است؛ این در حالی است که جمعیت افراد در سن ازدواج در کشور بیشتر شده اند در حالی که در همین زمان طلاق ۵۸/۳۲ درصد تغییرات مثبت داشته است که نشان از روند کاهشی ازدواج و افزایشی طلاق در کشور هست که بسیار نگران کننده است همچنین یافته های آماری نشان می دهد که نسبت طلاق به ازدواج در سال ۱۳۸۷ از ۱۲/۵ به ۳۱/۷۷ افزایش یافته است.

در نتیجه تحقیقات معلوم شده است که جدایی پدر و مادر چه آثار سوئی در تکامل فرزند می گذارد. در یکی از این تحقیقات که بر روی صد کودک طلاق صورت گرفته است برخی از پیامدهای بد طلاق بر کودکان از منظر خود آنان مشخص شده است. این پیامدهای ناگوار عبارتند از: ناراحتی از عدم تفهیم و تفاهم، اشکال در ایجاد روابط پایدار با دیگران، احساس آندوه مداوم، تاثیر بد در تحصیل احساس عدم امنیت، عدم اعتماد به نفس، کاهش تعداد اقوام و آدمهای مهم، علایم جسمانی، افسردگی و مشروبخواری زیاد. (والچاک وبرنز، ۱۸۰: ۱۳۶۶).

باید توجه داشت که واکنش بچه‌ها نسبت به طلاق در سنین مختلف متفاوت خواهد بود «واکنش بچه در سنین پیش از دبستان (۳ تا ۵ سالگی) به صورت خشم و افسردگی نمایان می‌گردد. (بخشی، ۱۳۸۵) پسرها معمولاً ناآرامتر، خشن‌تر می‌شوند بعضی از دخترهای کمتر از هفت سال عصبی مزاج می‌شوند اما برخی دیگر «رفتار بزرگترها» را در پیش می‌گیرند بچه‌های ۶ تا ۸ ساله اغلب پس از جدایی پدر و مادر دچار افسردگی شدید می‌شوند. باید توجه داشت که تاثیر طلاق بر روی بچه‌ها با توجه به جنسیت متفاوت خواهد بود بدین معنی که عکس‌العمل دخترها و پسرها در برابر مساله طلاق متفاوت از هم خواهد بود. چرا که تجربه نشان داده است که برای پسرها تحمل این مساله دشوارتر بوده و آنها به سختی با مسائل بعد از طلاق کنار می‌آیند که این خود باعث ایجاد مشکلات رفتاری عدیده‌ای چون بی‌نظمی، عصبانیت، خشونت، ناآرامی در جامعه و مدرسه و انحرافات رفتاری می‌شود. همچنین مشاجرات خانوادگی بر روی دخترها تاثیر متفاوتی چون اضطراب، نگرانی، گوشه‌گیری یا رعایت بیش از حد اصول اخلاقی را موجب می‌شود، واکنش پسرها معمولاً از دخترها شدیدتر است. هرچه سن این بچه‌ها زیادتر می‌شود احساس غم و افسردگی جای خود را به خشم و خشونت می‌دهد بچه‌های ۹ تا ۱۲ ساله خاصه پس از جدایی والدین واکنش‌های خشم‌آلودی از خود نشان می‌دهند پسرها از بازدید و ملاقات با پدر استقبال نمی‌کنند کارکرد آنها در مدرسه پایین می‌آید جوانان در مقایسه با خردسالان سازش‌پذیری بیشتری نسبت به مساله طلاق نشان می‌دهند شاید به این دلیل باشد که در این سن نوجوانان استقلال بیشتری پیدا می‌کنند و ارتباط نزدیکی با والدین ندارند آشکارا به محبت و راهنمایی کمتری خود را نیازمند می‌بینند (تایپر، ۱۳۷۲: ۴۱-۳۹).

طلاق در سال ۹۶-۹۵، ۲/۲ دهم درصد افزایش یافت. در چهار ماهه امسال ۵۵ هزار و ۷۱۸ مورد طلاق در کشور به ثبت رسیده است که نسبت به مدت مشابه سال گذشته ۲،۲ درصد

افزایش داشته است.

جدول ۲: میانگین سن اولین ازدواج از سال ۱۳۸۷ لغایت ۱۳۹۷

سال	مرد	زن
۱۳۸۷	۲۶,۹	۲۲,۴
۱۳۸۸	۲۶,۱	۲۲,۶
۱۳۸۹	۲۶,۵	۲۲,۱
۱۳۹۰	۲۶,۷	۲۳,۴
۱۳۹۱	۲۶,۹	۲۲,۶
۱۳۹۲	۲۷,۳	۲۲,۹
۱۳۹۳	۲۷,۶	۲۳,۱
۱۳۹۴	۲۷,۹	۲۳,۳
۱۳۹۵	۲۷,۴	۲۲,۹
۱۳۹۶	۲۷,۳	۲۲,۸
۱۳۹۷	۲۷/۵	۲۳/۴

میانگین سن ازدواج از تقسیم مجموع سن افراد ازدواج کرده (زوج و زوجه) در زمان مورد مطالعه بر تعداد افراد ازدواج کرده بدست می‌آید. در زمینه طلاق، نهادهای مختلف از جمله سازمان بهزیستی، سازمان ملی جوانان و سازمان ثبت احوال کشور، آمار ارائه می‌دهند که این آمار معمولاً با هم تطابق ندارند. از همین رو، کلیه آمار استفاده شده در این قسمت برگرفته از نشریات سازمان ثبت احوال کشور (دفتر آمار و اطلاعات جمعیتی) است.

راهکار

در یک ازدواج احتمالاً تعارض‌هایی وجود خواهد داشت ولی مهم این است که یک خانواده خوب و آموزش دیده، شیوه برخورد با این تعارض‌ها را بداند. زوجین برای ازدواج نیاز به آموزش‌های بینشی خاصی دارند تا مشخص شود که آیا مهارت‌های لازم را برای روبرو شدن با چالش‌های زندگی دارند یا نه. میانگین میزان گرایش به طلاق در بین آن دسته از زوجینی بالاتر بوده است که بدون کمک والدین و به تنهایی همسرشان را انتخاب کرده بودند، دخالت

زیادی از سوی اطرافیان در زندگیشان صورت گرفته بود، انتظاراتشان از همسر به حد کافی برآورده نشده بود و راجع به پیامدهای طلاق تصور مثبتی در ذهن داشته‌اند. میزان دخالت دیگران در زندگی زوجین، میزان برآورده نشدن انتظارات همسران از یکدیگر، و میزان تصور مثبت از پیامدهای طلاق، به طور مستقیم موجب افزایش میانگین میزان گرایش زوجین به طلاق شده‌اند؛ در حالی که تفاوت سنی، تحصیلی و عقاید زوجین همراه با دخالت زیاد دیگران و داشتن تصور مثبت از پیامدهای طلاق، به طور غیر مستقیم و از طریق افزایش احتمال میزان برآورده نشدن انتظارات همسران از یکدیگر تأثیر افزاینده بر میزان گرایش به طلاق داشته‌اند، زوجین از سود و زیان حاصله از زندگی خانوادگی است که این مفهوم را میتوان از طریق سنخش میزان برآورده شدن انتظارات زوجین از یکدیگر، عملیاتی نمود.

آموزش شیوه‌های صحیح رفتاری از طریق برگزاری دوره‌های آموزشی قبل از ازدواج، تحت عناوین آموزش مهارت‌های زندگی، راهبردهای ارتقای کارکرد خانواده، حقوق و تکالیف زوجین، بهداشت باروری و...؛ ترویج فرهنگ مراجعه خانواده‌ها به مراکز مشاوره خانواده در هنگام بروز اختلافات، تقویت بنیانهای مذهبی و ارزش‌های دینی و اخلاقی در سطح جامعه، ترویج فرهنگ همسان‌گزینی و تأکید بر لزوم آشنایی و شناخت خصوصیات و ویژگی‌های اخلاقی، رفتاری زوجین قبل از ازدواج، نفی فرهنگ جنسیت‌سالاری در خانواده‌ها از طریق آموزش روش‌های صحیح تربیتی، فرهنگ‌سازی در جهت رعایت تقوا، عدالت و پایبندی به ارزش‌های اخلاقی توسط همسران و اجتناب از تعدد زوجات، آموزش شیوه‌ها و معیارهای صحیح همسرگزینی و اصلاح روش‌های سنتی ازدواج، ایجاد مراکز مشاوره به ویژه در دانشگاه‌ها جهت بهبود فرآیند همسریابی، پرهیز خانوادها از دخالت‌های بدون آگاهی و بینش در زندگی فرزندان. یکی از راهکارهایی که امروزه در حال فراموشی است و قانون مدنی بر روی آن صحنه گذاشته است، دوران نامزدی است که برای آشنایی کامل زن و مرد به روحیات و خلیقات یکدیگر بنظر میرسد که یک دوران نامزدی حداقل ۱ ساله با رعایت اخلاق و موازین اسلامی مفید باشد. به نوجوانان باید آموخت که در این دوران باید هوشیار باشند و هیچ یک از ویژگیهای خود را از دیگری کتمان ندارند و هرگز خود را بهتر از آنچه که هستند جلوه ندهند، از فریب و نیرنگ برکنار باشند و همواره به یاد داشته باشند که مرحله تحقیق و آزمایش را می‌گذرانند تا همسر و شریکی هم پایه برای سراسر زندگی برگزینند. امر بدین پایه خطیر و مهم را جدی تلقی کنند و بدانند خوشبختی یا بدبختی آینده هر دو به آشنایی کامل و اتخاذ تصمیم در این مرحله بستگی

دارد. آزمونهای روانی - هر مرد و زن همانگونه که از نظر امراض مسری معاینه می شوند پیش از ازدواج اخلاقاً مقید باشند و متخصصان روانی مراجعه کنند اگر از لحاظ روانی، هردو از سلامت نفس برخوردار باشند و توافق روانی بین هردو موجود باشد پروانه ازدواج بدست آوردند. هرکس که بهره کاملی از خودشناسی ندارد بسیار بچاست که از روانشناسان استمداد نماید. تا معلوم شود که خصوصیات روانی او چیست و تا چه پایه می تواند بین عقل و خواسته های خود سازش ایجاد کند. آنکه خود را شناسد در شناخت دیگری ناتوان است، بنابراین طرف مقابل او را هم باید روانشناس بیآزماید تا امکان ادامه زندگی مشترک آن دو در سایه توافق افراد و تمایلات و خصوصیات روانی گواهی نماید بعلاوه هر شخص دانا و بینا و درخودشناسی توانا باشد برای تشخیص خصوصیات روانی همسر آینده خود از مراجعه به متخصصان روانی بی نیاز نیست.

بحث و نتیجه گیری

در بررسی رویکرد روش شناختی تحقیقات مورد مطالعه، مشخص شد که حدود نیمی از تحقیقات ۵۲ درصد، رویکرد توصیفی داشتند و در مقابل ۴۸ درصد تحقیقات، رویکردی تبیینی اتخاذ کرده بودند. شایان ذکر است که، در برخی از پژوهشها، رویکردهای روش شناختی با یکدیگر هم پوشانی داشته در برخی تحقیقات نیز، اطلاعات کافی در این خصوص مشاهده نشد.

عدم تفاهم، عدم بلوغ اجتماعی، ازدواج اجباری، توقعات بیجا، چشم و هم چشمی، اختلالات عاطفی و روانی، اعتیاد، بداخلاقی، خشونت، تفاوت‌های فرهنگی، اختلاف سن، ازدواج دوم، سوءظن، دخالت دیگران در زندگی، عدم علاقه و... را از جمله دلایل بروز طلاق عنوان کرد. پنج عامل جنسی، اقتصادی، شخصیتی، ارتباطی و اجتماعی را مهم‌ترین عوامل تاثیرگذار بر طلاق دانست.

در مسئله اجتماعی نیز مواردی همچون اختلاف فرهنگی و سطح طبقاتی بین خانواده‌های زوجین، مهاجرت‌های بی‌رویه از روستاها به شهرها و از شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ، رشد فزاینده کلانشهرها و کاهش سیستم‌های کنترل اجتماعی غیررسمی در جامعه، اعتیاد به مواد مخدر و الکل از جمله متغیرهای موثر بر طلاق هستند. در دو دهه اخیر و با گسترش زندگی شهرنشینی، افزایش ظواهر مدرنیته و تغییر شیوه زندگی از سنتی به مدرن، نظام

خانواده در ایران دستخوش تغییراتی شده است، به گونه‌ای که این مسئله سبب شده که آمار طلاق به میزان قابل توجه و نگران کننده‌ای افزایش یابد. با توجه به تجدد امروزی و تغییر ارزش‌ها و هنجارها، تبعیت از ساختار کهن و سنتی در نزد دختران و زنان از بین رفته و آنان در همه موارد خود را با مرد یکسان می‌دانند که این دو ساختی شدن جامعه سبب بروز طلاق میان زوجها می‌شود.

طلاق پدیده‌ای است که بر تمامی جوانب جمعیت یک جامعه اثر می‌گذارد و از طرفی بر کمیت جمعیت اثر می‌نهد، یعنی واحد مشروع و اساسی تولید مثل یعنی خانواده را از هم می‌پاشد.

منابع

فارسی

- قرآن کریم
- قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران
- آزاد، تقی و مهری بهار (۱۳۷۷)، بررسی مسائل اجتماعی، تهران: موسسه نشر جهاد
- باریکانی، آمنه، ساریچلو، محمد ابراهیم (۱۳۹۰)، بررسی عوامل مؤثر طلاق در مراجعین به دفاتر ازدواج و طلاق، مجموعه مقالات دومین همایش ملی آسیب های اجتماعی ایران و مجتمع های قضایی استان قزوین در سال ۸۶، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران: انجمن جامعه شناسی ایران.
- بخشی، افسر. (۱۳۸۵)، طلاق و پیامدهای شوم آن در سرنوشت فرزندان، اندیشه.
- تایبر (۱۳۷۴)، بچه های طلاق ترجمه توراندخت تمدن، تهران: نشر مترجم
- جلیلیان، زهرا. (۱۳۷۵). عوامل اجتماعی مؤثر بر درخواست طلاق در شهر تهران؛ دانشگاه علامه طباطبایی، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته جامعه شناسی
- حسینی شاهرودی، حسن. (۱۳۸۰)، بررسی جامعه شناختی پدیده طلاق، ماهنامه معرفت، شماره ۴۵
- خمینی، روح الله. (۱۴۲۲). استفتائات (چ ۵، ج ۳). قم: دفتر انتشارات اسلامی
- رابینگتن، ارل و مارتین واینبرگ. (۱۳۸۲)، رویکردهای نظری هفتگانه در بررسی مسائل اجتماعی ترجمه رحمت الله صدیق، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- سازمان ثبت احوال کشور سالنامه آماری تهران، دریای نور.
- صفایی، حسین. و امامی، اسدالله. (۱۳۸۸). مختصر حقوق خانواده. چاپ سیزدهم.
- فرجاد، محمدحسین. (۱۳۷۲)، آسیب شناسی اجتماعی، خانواده و طلاق، تهران: انتشارات منصور.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۲). قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی. تهران: نشر میزان، چاپ هشتم.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۵). حقوق خانواده. تهران: شرکت سهامی انتشارات، چاپ هفتم.

- کلانتری، عبدالحسین، (۱۳۹۰)، طلاق، علل و پیامدها پیام، روش تفکر، یافته های پژوهشی سه دهه اخیر ایران، مجموعه مقالات دومین همایش ملی آسی بهای اجتماعی ایران دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، انجمن جامعه شناسی ایران.
- کی نیا، مهدی. (۱۳۷۳)، عوامل اجتماعی طلاق، قم: مطبوعات دینی.
- گواهی، زهرا. (۱۳۷۳)، بررسی حقوق زنان در مسئله طلاق، انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی
- مسعود، طاهری. (۱۳۸۴) محمد علی انصاری؛ دانشنامه‌ی حقوق خصوصی، تهران، انتشارات محراب فکر
- مشکی، مهدی و همکاران. (۱۳۹۰)، بررسی وضعیت و عوامل مرتبط با طلاق از دیدگاه زوجین مطلقه شهرستان گناباد در سالهای ۱۳۸۸، فصلنامه افق دانش، دوره ۱، شماره ۱۷
- مشکینی، علی. (۱۳۶۶)، ازدواج در اسلام، ترجمه احمد جنتی، قم: انتشارات الهادی.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۸). نظام حقوق زن در اسلام. تهران: انتشارات صدرا، چاپ بیست و یکم،
- نجفی، شیخ محمدحسن. (۱۳۶۶). جواهرالکلام. بیروت: دار احیاء التراث العربی، ج ۲۳،
- والچاک، ایوت و شیلا برنز (۱۳۶۶) طلاق از دید فرزندان، ترجمه فرزانه طاهری، تهران، نشر مرکز
- هنریان، مسعود، یونسی، جلال (۱۳۹۰)، بررسی علل طلاق در دادگاه های خانواده تهران، فصلنامه مطالعات روانشناسی بالینی، سال اول، شماره سوم.